

## اخبار و گزارش های کارگری 13 آبان ماه 1403

- مهدی فتحی کنشگر فرهنگی پاسارگاد\_ فارس :

اعتراض عریان زمانی رخ می دهد که صبر افراد جامعه ، در قبال فشارهای حاکمیتی غیر قابل تحمل گردد و در نتیجه خود را به صورت عصیان و طغیان نمایش می دهد.

- دومین روز دور جدید اعتراضات پرستاران کشور نسبت به سطح نازل حقوق ، عدم پرداخت بموقع مطالبات، کمبود نیرو و شرایط سخت کاری و وعده های توخالی بابرپایی تجمع پرستاران بیمارستان نظام مافی شوش و افشار، شهدای محراب و صدوقی یزد با شعارهای «پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن»، «وعده و عید کافیه سفره ما خالیه»، «این همه شعار شنیدیم اما عمل ندیدیم» و....

- یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته:

« جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه»

1- اعتراض کارگران بازنشسته تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با راهپیمایی و تجمع در شهرهای اهواز و رشت مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان های خوزستان و گیلان، شوش مقابل فرمانداری شهرستان و

تهران مقابل اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ (شعبه 2 تهران)

2- اعتراض کارگران بازنشسته صنعت فولاد کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی با برپایی تجمع مقابل صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد در شهرهای اصفهان و قائمشهر با شعارهای «ای مجلس ای دولت بسه دیگه خیانت»، «وعده و عید چه خوب بود اما همش دروغ بود»، «وعده و عید کافیه سفره ما خالیه»

3- تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته زغال سنگ کرمان

- ادامه اعتراضات بازنشستگان فرهنگی سال 1400 کشور نسبت به عدم اجرای کامل قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان (ماده 30 قانون برنامه ششم توسعه) و صدور احکام ناقص با برپایی تجمع در دفتر بهارستان نشین شهرستان دورود

- کارگران معدن معدنجوی طبس افشا می کنند:

کارگرانی از بلوک B معدن معدنجوی طبس که از دوم مهرماه سر کار نرفتند، جریمه شده اند

از 2 هزار کارگر معدن معدنجوی طبس 700 نفر استعفا داده اند

وعده افزایش حقوق میلیون تومانی کارگران معدن هنور عملی نشده است

- تعیین وقت دادگاه شریفه محمدی در دادگاه انقلاب رشت

- احضار محسن عمرانی جهت اجرای حکم زندان

- انجمن صنفی معلمان فارس ضمن مردود شمردن این قبیل احکام ناعادلانه خواهان لغو اجرای حکم زندان محسن عمرانی و بقیه فعالین صنفی معلمان می باشد.

- جان باختن یک کارگرصنعت نفت منطقه آزادگان پراثرتصادف

- جان باختن یک کارگر پروژه ای پراثرسقوط از ارتفاع

- جان باختن دستکم یک کارگر ویک آتش نشان در فروریزش های تهران

\*\*\*\*\*

\*مهدی فتحی کنشگر فرهنگی پاسارگاد\_ فارس :

اعتراض عریان زمانی رخ می دهد که صبر افراد جامعه ، در قبال فشارهای حاکمیتی غیر قابل تحمل گردد و در نتیجه خود را به صورت عصیان و طغیان نمایش می دهد.

تکرار تاریخ

مهدی فتحی کنشگر فرهنگی پاسارگاد\_ فارس

کلیپ برهنه شدن دختر دانشجوی ایرانی در دانشگاه ، علیرغم خروجی های خبرگزاری های حکومتی که قطعاً وی را بیماری روانی و یا مصرف کننده ی قرص های توهم زا خواهند خواند، براین روایتی تاریخی از گودایوا به انگلیسی: Godiva همان بانویی آنگلساکسونی که در حمایت از حذف مالیات های سنگین، برهنه در کاونتری اسب می تاخت را زنده کرد که تمام مردان شهرش به منزل رفتند، درب و پنجره ها را بستند و نخواستند نظاره گر اندام برهنه ی بانوی شجاع وطن شان باشند.

باید به دانشجویان مرد اطراف این مهر دختی که قطعاً از فشارهای بی حد و حصر حراست بر نوع پوشش او ، مجبور به اعتراض عریان شد و کارش به عصیان و طغیان علیه پوشش اجباری گردید ، درود فرستاد.

دانشجویانی که ثابت کردند که تفکر آنانی که در این چند دهه ادعا داشتند بانوان پوشیده بمانند، تا مردان فاسد نشوند ، تفکری پوچ و کاملاً غلط بوده است.

اعتراض عریان زمانی رخ می دهد که صبر افراد جامعه ، در قبال فشارهای حاکمیتی غیر قابل تحمل گردد و در نتیجه خود را به صورت عصیان و طغیان نمایش می دهد.

تا کنون گوش شنوایی جهت شنیدن صدای اعتراض شهروندان مردم ایران نبوده و نیست اما آیا این بار چشمان مسئولان هم نابینا خواهد ماند.....

\*دومین روز دور جدید اعتراضات پرستاران کشور نسبت به سطح نازل حقوق ، عدم پرداخت بموقع مطالبات، کمبود نیرو و شرایط سخت کاری و وعده های توخالی بابرپایی تجمع پرستاران بیمارستان

نظام مافی شوش و افشار، شهدای محراب و صدوقی یزد با شعارهای «پرستار دادبزن حق توفریاد بزن»، «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، «این همه شعار شنیدیم اما عمل ندیدیم» و....



\*یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته:

« جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه»

1- اعتراض کارگران بازنشسته تامین اجتماعی کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی با راهپیمایی و تجمع در شهرهای اهواز و رشت مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان های خوزستان و گیلان،

شوش مقابل فرمانداری شهرستان و

تهران مقابل اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ (شعبه 2 تهران)

شعارها:

« جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه»

«فقط کف خیابون بدست میاد حقمون»

«مدعی عدالت خجالت خجالت»

«مابازنشستگانیم خواهان حق مانیم»  
«بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن»  
«نه گرما نه سرما نیست جلودارما»  
«معیشت منزلت حق مسلم ماست»  
«زیربار ستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم در ره آزادی ننگ بر این زندگی ننگ بر این زندگی»  
«خیلی دروغ شنیدیم عدالتی ندیدیم»  
«حسین حسین شعارشون دروغ و دزدی کارشون»  
«دشمن ما همینجاست دروغ میگند آمریکاست»  
« قالیباف دروغگو حاصل وعده هات کو»  
«ای دولت دروغگو عدالت علی کو»  
«زیر بار تورم شکسته پشت مردم»  
«کومهارتورم دروغ میگید به مردم»  
«روسری رو رها کن فکری به حال ما کن»  
«روسری رو رها کن تورم ومهارکن»  
«از خوزستان تا به رشت مرغ کیلویی صد و هشت»  
«از خوزستان تا گیلان ننگ بر این مدیران»  
« حاصل کار دولت غارت جیب ملت»  
«معلم زندانی آزاد باید گردد»  
«کارگر زندانی آزاد باید گردد»  
«بازنشسته زندانی آزاد باید گردد»  
«اسماعیل گرامی آزاد باید گردد»  
«سفره بی نان ما چی میخوادید از جان ما»  
«حقوق نصف نیمه سکوت کنی همینه»  
«تامین غارت کردند ماروبیچاره کردند»

«ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما»

تصاویر:

اهواز:



تهران:





شوش:



2- اعتراض کارگران بازنشسته صنعت فولاد کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی با برپایی تجمع مقابل صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد در شهرهای اصفهان و قائمشهر با شعارهای «ای مجلس ای دولت بسه دیگه خیانت»، «وعده وعید چه خوب بود اما همش دروغ بود»، «وعده وعید کافیه سفره ماخالیه»

تصاویر:



## أصفهان:



## قائمشهر:



## 3- تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته زغال سنگ کرمان





**\*ادامه اعتراضات بازنشستگان فرهنگی سال 1400 کشور نسبت به عدم اجرای کامل قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان(ماده 30 قانون برنامه ششم توسعه) و صدور احکام ناقص با برپایی تجمع در دفتر بهارستان نشین شهرستان دورود**





\*کارگران معدن معدنجوی طبس افشا می کنند:

کارگرانی از بلوک B معدن معدنجوی طبس که از دوم مهرماه سر کار نرفتند، جریمه شده‌اند

از 2 هزار کارگر معدن معدنجوی طبس 700 نفر استعفا داده‌اند

و عده افزایش حقوق میلیون تومانی کارگران معدن هنور عملی نشده است

این‌ها حرف‌های چند کارگر سابق معدنجوی طبس است که با چند سال سابقه به‌تازگی از کار خود استعفا داده‌اند.

تا دیروز با هم کلنگ می‌زدند، چراغ می‌گرفتند، سنگ‌ها را جمع و بارگیری می‌کردند. روزی دو بار مسافت خوابگاه تا کارگاه را می‌دویدند تا به صف ناهارخوری برسند. بعد دوباره دوان‌دوان در صف حمام می‌ایستادند که شاید بشود بعد از آن همه نفس بریده، سرجمع پنج دقیقه بیشتر استراحت کرد. زندگی به وقفه‌هایی کوتاه بین دویدن‌های شش ساعته در بالا و زیر زمین تقسیم می‌شد. شش ساعت رو، شش ساعت زیر و دوباره از سر .

آن روز سه ساعت مانده به پاییز امسال، کوه زیر پای شیفت شب لرزید. یک روز بعد، نیمی از کارگران مامور شدند که اجساد نیمی دیگر را از غول مدفون طبس بیرون بکشند. از لای سنگ‌های سیاه منطقه‌ای که روی تابلو آن نوشته: «منطقه معدنی پرورده». از آن جمعیت دو هزار نفره، معدن 53 کارگر را آن روز بلعید و دیگر آنها را زنده پس نداد. 700 نفر دیگر هم یکی‌یکی تا 40 روز بعد استعفا دادند. بعضی از کارگاه‌های بزرگ 200 نفره تابستان، حالا با شش، هفت نفر کار می‌کنند. همان بازمانده‌ها هم مانده‌اند بین رفتن و نرفتن.

40 روز از مرگ معدنجویان طبس می‌گذرد. نزدیک ورودی معدن C که از همه ویران‌تر شده چند کارگر در رفت‌وآمدند. با اینکه براساس گزارش مجلس کارفرما هم در این حادثه سهمی داشته، معدن فعال است. کسی هم این را انکار نمی‌کند. این کارگران بازماندگان شب هول طبسند. مدیران با تندی اجازه ورود نمی‌دهند و گازش را می‌گیرند و می‌روند. همین که راه ورود خبرنگاران را بسته‌اند نشان می‌دهد که هنوز چیزی تغییر نکرده و معدنحو احتمالاً با همان ایمنی پایین شروع به کار کرده است. ترس توی چشم کارگرانی که دورتر از معدن ایستاده‌اند دود می‌زند.

هم می‌خواهند حرف بزنند و هم می‌ترسند همین آب باریکه ماهی 13 میلیون تومان حقوق‌شان هم بریده شود و دیگر قرارداد شش ماهه‌شان را تمدید نکنند. آنهایی که مانده‌اند می‌گویند ما شهید زنده‌ایم. آنهایی که رفته‌اند می‌گویند، طاقت کار کردن نداشتیم. آنهایی که مانده‌اند می‌گویند، هر روز معدن ما را می‌خورد. آنهایی که رفته‌اند می‌گویند، یادآوری اول مهرماه گوشت تن‌مان را می‌ریزد.

مرد میانسالی از قدیمی‌های معدن‌جو بیرون از کارگاه به خبرنگار رسانه ای گفت: وقتی بچه‌هایمان را بیرون از معدن می‌دیدم فکر می‌کردم از بالاشهر تهران آمده‌اند. نه اینجوری مثل من. خوش‌تیپ و خوش‌هیكل. جمله‌اش را با صدای ضعیفی اینطور تمام می‌کند: اما از بدن 80 کیلویی بعضی از آنها ۱۰ کیلو باقی مانده بود .

روز حادثه معدن‌جوی طبس، به کارگرانی که در شیفت 15 روزه استراحت‌شان بودند اطلاع داده می‌شود که هر کسی توان و دل و جرأتش را دارد برگردد و اجساد را از دل معدن بیرون بیاورد. حدود 10 نفر از کارگران این دعوتنامه را قبول می‌کنند تا حلق زمین را بشکافند. مگر امدادگران معدن این کار را نکرده بودند؟ نه خانم. ما آنها را بیرون می‌کشیدیم. سوار واگن‌ها می‌کردیم و امدادگران جنازه که می‌آمد بالاتر، آنها را تحویل می‌گرفتند. بقیه حاضران هم آنجا بودند، نهارشان را می‌خوردند و می‌رفتند. دست آخر هم از همه تقدیر کردند اما یک نفر اسم ما را نیاورد.

حالا هم همه آن کارگران ناجی از معدنحو استعفا داده‌اند. می‌گویند از آخرین بار که با بدن بی‌جان رفقای‌شان بیرون آمده‌اند، نتوانسته‌اند پایشان را معدن بگذارند. زندگی برای آنها از حالا به‌بعد معنی

دیگری دارد. یک لحظه که از زمان غافل شوند، ردیف بدن‌های پارمپاره و اجساد یخزده است که جلوی چشمشان ردیف می‌شود.

چه کارگرانی استعفا دادند؟

از کارگران بیرجندی 10 تا 20 نفر، از مشهدی‌ها 30 تا 40 نفر و از کارگران قوچان حدود 200 نفر استعفا داده‌اند. بقیه بازمانده‌ها با اماواگر و شاید ماندند و احتمال دارد همین روزها آنها هم بیایند بیرون. شورای شهر قوچان برای بعضی از آنها در یک شرکت لبنیاتی، یک کارگاه معدن و کارگاه دیگری در شهرک صنعتی کار پیدا کرده. مرد 30 ساله اهل اطراف این شهر که هنوز بعد از استعفا کار پیدا نکرده، گفت: بعضی از همکاران مان که استعفا دادند در این مشاغل شروع به‌کار کرده‌اند که حقوق یکی از آنها ماهی هشت میلیون تومان است. می‌شنوید؟ ماهی هشت میلیون تومان. سیستمش هم این است که یک ماه پشت سر هم کار می‌کنی و دو روز مرخصی می‌گیری.

بقیه استفادندگان فعلاً بیکارند و احتمالاً تا چند ماه آینده فقط بیمه بیکاری بگیرند. بعضی از آنها گفتند که اگر حقوق مان را بیشتر کنند شاید برگردیم معدن. این وعده را مدیرعامل معدن‌جو به آنها داده است. چند کارگر گفتند که آنها آقای رئیس را هیچ‌وقت ندیده بودند. نه که نیامده باشد، می‌آمد اما کارگر که اجازه نزدیک شدن به او را نداشت. با این حال به گفته آنها، محمد مجتهدزاده بعد از آوار طبس باشگاه معدن آمده و قول داده که به‌جز امکانات ایمنی، حقوق‌ها را از همین ماه سه میلیون تومان افزایش بدهد. یعنی حدوداً از 13 میلیون تومان برسد به 16 میلیون. حقوقی که تا دیروز هنوز واریز نشده است.

در همین جلسه به گوش کارگران رسیده مسئولان معدن وسایل خارجی برای افزایش ایمنی خریده‌اند و فعلاً این تجهیزات در گمرک مانده است. آنها افزودند مدیریت از حقوق و بیمه هر کسی که یک هفته مرخصی گرفته بود کم کرده‌اند. کارگران بلوک C که تا اول آبان‌ماه تعطیل بودند اما کارگران بلوک B مجبور شدند از همان دوم مهرماه با بیل و کلنگ و چراغ قوه دوباره کار را شروع کنند. هر کسی هم نبوده، جریمه شده است.

کارگرانی که برای آوردن اجساد داوطلب شده بودند حالا به‌تازگی لب از لب باز کرده‌اند که آن روز به آنها چه گذشته است. در آن سه روزی که به دنبال همکاران‌شان می‌گشتند، چه اتفاق‌هایی رخ داده است؟ بعضی از روایت‌ها با وجود گذشت 40 روز تا امروز به گوش کسی نرسیده بوده. چهار کارگر داوطلب در بلوک C می‌گویند، کسی مجبورشان نکرده بود که این کار را بکنند. رفقای مان بودند. هم‌ولایتی بودیم. معلوم بود که با چنگ و دندان می‌رویم تا بیرون بیاوریم‌شان.

آنها باید نزدیک به 100 متر زیر کوه زغال پایین می‌رفتند تا برسند به بچه‌ها. 10-15 متر اول معدن راه باز بود اما بقیه مسیر به دیواره سفت و سخت صخره‌ها برخورد می‌کردند. این چهار نفر یک کلنگ بردند که به‌زور سنگ‌ها را از دل کوه جدا می‌کرد. چند سانتی‌متر، چند سانتی‌متر جلو می‌رفتند. تونل می‌زدند و قطعه‌های سنگ را با دست بیرون می‌بردند. قطر تونل‌شان 40 سانت بیشتر نمی‌شد. فقط در همین اندازه که خودشان بتوانند جا شوند. روی زانو و کف دست راه می‌رفتند. وقتی



زمین را هم‌اندازه با طول یک زمین چمن استادیوم آزادی تراشیدند، به اولین جسدها رسیدند. به 20 بدن بی‌جان. راه هر روزه آنها 20 برابر طولانی‌تر از چیزی بود که آن روز کردند.

کارگران معدنچو در روزهای عادی ابتدا 700 متر مستقیم می‌رفتند تا برسند به کوچه پس‌کوچه‌هایی که زیر زمین حفر شده بود. صدها کیلومتر بعد از این تازه می‌رسیدند به کارگاه‌ها. هرکدام از کارگاه‌ها در یکی از این کوچه‌های زیرزمینی قرار داشت که در دل خاک، سیاهی را شکافته بود. ارتفاع دیواره این تونل‌ها در اول ورودی معدن از یک‌متر شروع می‌شد و کم‌کم به 40 سانتی‌متر می‌رسید.

قبلاً برای رسیدن به همین‌جا پنج دقیقه داخل نفربر می‌نشستند و بقیه راه را 25 دقیقه پیاده‌روی می‌کردند. اما حالا قضیه فرق می‌کرد. بعد از انفجار، دیواره‌ها و سقف خراب شده بودند. داخل تونل‌ها پر از گاز بود و این سرعت رسیدن کارگران به اجساد را کم می‌کرد. ناجیان برای رسیدن به همکاران زیر آوار، سه روز در راه بودند. سه روز پتک می‌زدند، عرق می‌ریختند و سنگ جابه‌جا می‌کردند تا دست‌شان به دست بی‌جان آنها برسد. به دست امیرعلی، به احسان، به عباس و دیگران. دو روز هم بیرون آوردن‌شان زمان برد.

یکی‌یکی رفقای‌شان را روی کول می‌انداختند و از دل شب بیرون می‌آوردند. بدون دستکش، بدون ماسک و بدون کیسه نجات؛ فقط با یک چراغ قوه و کلنگ. کارگر 26 ساله‌ای که همکارانش را بیرون آورده با شش سال سابقه کارگفت: همه را شناختم. بدن‌ها بریده‌بریده شده بودند. من اما به‌جز پنج یا شش نفر که سوخته بودند، بقیه را شناختم. بعد هم تا واگن‌ها آوردمشان و داخل واگن آنها را به بیرون از معدن فرستادم. بعد از پنج روز هم با لباس پاره و دست و بال زخمی بیرون آمدم.

آنهايي که اجساد را بیرون آوردند، می‌گویند در تونل C دو نفر خاک روی بدن کارگران ریخته شده که استخوان آنها را مثل ماهی نرم کرده بود. سه نفر را از روی دی‌ان‌ای شناختند. احسان را هم از خالکوبی روی دستش. احسان اولین نفری بود که ناجیان معدن توانستند زیر خاک پیدا کنند. جزئیات تصاویر، دلش را آشوب می‌کند و فقط می‌گوید که یک روز بعد از بیرون آوردن همکاران‌شان، همه این ناجیان تبخال زده‌اند و تا اول آبان‌ماه سر کار نرفتند.

آنچه داخل کوه زغال‌سنگ گذشت تمام این 40 روز سلول‌سلول جان‌شان را مکیده است. این ماجرای بود که در تونل C اتفاق افتاده، اما پیدا کردن کارگران در تونل B کمی راحت‌تر بوده. حداقل بدن‌ها قابل حمل بوده‌اند. دیدن بدن‌های یخ‌زده، چشم‌ها را از حلقه در می‌آورد. آنهايي که در تونل B بودند، با گاز جان دادند. چگونه؟ در همان حالتی که زیر زمین بودند خشکشان زده بود. یکی سنگی برداشته بود و یکی دستش را به سرش زده بود و دیگری با کمری خم شده، در همان حالت فریز شده بود.

وقتی از زیر خاک بالا می‌آیند زیر ناخن‌ها، لابه‌لای خطوط کف دست‌ها و داخل گوش‌های‌شان هم خرده‌ریزه‌های سیاه سنگ چسبیده. مثل ر. ر. که او هم یک بازمانده است. بازمانده‌ای که دیگر نتوانسته بیشتر از این، در طبس بماند. آنها که مردند اما حالا زنده‌ماندن برای‌شان سخت‌تر شده. قبلاً هم سخت بود. قبلاً از خواب که بیدار می‌شدیم دست‌های‌مان لمس می‌شد. یخ می‌زد. انگشت‌ها کار نمی‌کردند. 10 دقیقه ماساژ می‌دادیم که روان شود اما حالا دیگر عقل‌مان هم سر جایش نیست. وقتی

آدم‌ها حرف می‌زنند نمی‌فهمم. یک دفعه می‌روم توی خودم و لیوان چای از دستم می‌افتد. آنها از برادر هم به من نزدیکتر بودند.

کمتر از یک هفته از استعفایش می‌گذرد و هر روز با خودش تکرار می‌کند: اگر این‌ها نمی‌مردند، ما مرده بودیم. در طبس هم اتاق سر جایش بود، هم کلنگ‌ها و بیل‌ها. جاده، تونل و زمین هم همان است اما هم اتاقی‌های مان نبودند. چطور این را تحمل کنیم؟ تصویر آنها مدام می‌آید توی ذهن‌مان.

او با شش نفر از کشته‌شده‌های بلوک C هم‌اتاق بوده. استعفا هم داده اما هنوز کار پیدا نکرده و دیگر نمی‌خواهد به آنجا برگردد. همیشه هر بار دم ورودی، اشهدمان را می‌خواندیم که شاید دیگر برنگردیم. قبل از این در هر شش ساعت، دو نفره 5 متر زمین را می‌کنندیم. اما حالا بعد از این اتفاق، وقتی که دیگر جان‌مان بریده، شیفت‌های جمعاً 12 ساعت کارمان را کمتر کرده‌ان»

«ر.ر.» اهل قوچان است. قوچانی‌ها چندین جوان در این انفجار از دست داده‌اند. سه خانواده در دو روستای این شهر، شش برادر را از دست داده‌اند. هر خانواده دو برادر. فرهاد پیرزاده، همان رتبه دو رقیمی کنکور، پسر از یکی از همین خانواده‌ها بوده است. حالا هم فقط از یک روستای سراب از توابع قوچان، 20 کارگر استعفا داده‌اند. به گفته این مرد جوان، از نظر ایمنی و تجهیزات چیزی تغییر نکرده اما مثلاً دیگر هر شیفت، یک ماسک می‌دهند. قبلاً همین را هم نمی‌دادند.

«حتی دستگاه مکانیزه هم اگر بوق می‌زد، می‌گفتند این همیشه بوق می‌زند ولش کن. استادکار همان روز گفته بود، این شیفت خطرناک است. نباید رفت. نباید وارد معدن شد. به او جواب دادند که خب نرو. استادکار هم جواب داده: خب اگر من که سرکارگرم نروم، بقیه چطور بروند؟ اینطور می‌شود که همگی با هم می‌روند و همه با هم می‌میرند.

#### **\*تعیین وقت دادگاه شریفه محمدی در دادگاه انقلاب رشت**

دادگاه شریفه محمدی، فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت، روز ۲۴ آبان‌ماه در شعبه ۲ دادگاه انقلاب رشت برگزار می‌شود.

او پیشتر توسط قاضی درویش‌گفتار به اعدام محکوم شده بود، حکمی که توسط دیوان عالی کشور نقض شد.

شریفه محمدی از تاریخ ۱۴ آذر ۱۴۰۲ کماکان در بازداشت موقت است. او پس از بازداشت توسط اطلاعات گیلان به اداره‌ی اطلاعات سندج نیز منتقل و مورد شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفت.

برگرفته از کانال بیدارزنی

#### **\*احضار محسن عمرانی جهت اجرای حکم زندان**

بنا به اطلاعات رسیده به کانون صنفی معلمان استان بوشهر محسن عمرانی، عضو هیات مدیره این کانون، جهت اجرای حکم شش ماه (یکصد و هشتاد روز) حبس به اجرای احکام احضار شده است.

بنا بر احضاریه ابلاغ شده وی باید تا تاریخ هفدهم آبان ماه خود را به اجرای احکام معرفی کند. همزمان اجرای احکام شعبه ی دوم حکم جریمه نقد ۹۶ میلیون تومانی چهار نفر از اعضای هیات مدیره کانون را به اجرا گذاشته و از آنها خواسته است ظرف مدت پنج روز مبلغ مورد نظر را به حساب دادگاه واریز نمایند.

کانون صنفی معلمان استان بوشهر خواستار لغو اجرای حکم زندان محسن عمرانی و احکام بقیه همکاران شده و از دولتمردان میخواهد جهت اعتلای جامعه، فضای امنیتی حاکم بر نهادهای مدنی را رفع نموده و آنها را بعنوان جزئی از جامعه به رسمیت بشناسند.

**\*انجمن صنفی معلمان فارس ضمن مردود شمردن این قبیل احکام ناعادلانه خواهان لغو اجرای حکم زندان محسن عمرانی و بقیه فعالین صنفی معلمان می باشد.**

محسن عمرانی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر جهت اجرای حکم شش ماه ( یکصد و هشتاد روز) حبس به اجرای احکام احضار شده است.

بنا بر احضاریه ابلاغ شده وی باید تا تاریخ هفدهم آبان ماه خود را به اجرای احکام معرفی کند.

هم زمان اجرای احکام شعبه ی دوم حکم جریمه نقد ۹۶ میلیون تومانی چهار نفر از اعضای هیات مدیره کانون را به اجرا گذاشته و از آنها خواسته است ظرف مدت پنج روز مبلغ مورد نظر را به حساب دادگاه واریز نمایند.

انجمن صنفی معلمان فارس ضمن مردود شمردن این قبیل احکام ناعادلانه خواهان لغو اجرای حکم زندان محسن عمرانی و بقیه فعالین صنفی معلمان می باشد.

**\*جان باختن یک کارگر صنعت نفت منطقه آزاد گان برائرتصادف**

یک کارگر ارکان ثالث شرکت نفت و گاز اروندان بنام محمد کریمی(سیلاوی) در حین رفتن برسرکار برائرتصادف جان خود را از دست داد.

**\*جان باختن یک کارگر پروژه ای برائرسقوط از ارتفاع**

یک کارگر فیتز بنام قاسم کورواند بر اثر سقوط از ارتفاع جان باخت.





## **\*جان باختن دستکم یک کارگر و یک آتش نشان در فروریزش‌های تهران**

بر اثر فروریزش‌های تهران تا روزیکشنبه 13 آبان، یک آتش‌نشان و یک کارگر که در میدان قیام، زیر تلی از خاک دفن شدند و جان باختند. حادثه شهران هم دو قربانی داشت.

برپایه گزارش رسانه ای شده،تعدد قنات‌ها و تعدد حفرات متعدد زیر خاک شهر تهران، یک خطر جدی را به ما گوشزد می‌کند و احتمال تلفات انسانی در صورت وقوع فروریزش در زمان اوج ترافیک یا تراکم جمعیتی در یک منطقه بسیار زیاد خواهد بود.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)